

سورة الزخرف مكتوبة في سبعين آية وسبع ركعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

حَمْدٌ ① وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ② إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

لحم \* وكتاب مبين (شاهد است) \* يقيناً ساختیم آنرا قرآن عربی تا شما

تَعْقِلُونَ<sup>۳</sup> وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ<sup>۴</sup> أَفَضْرِبُ

کنید تعقل \* و آنست در أم الكتاب<sup>۱</sup> نزد ما لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ. \* آیا بازداریم

عَنْكُمْ الذِّكْرُ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ<sup>۵</sup> وَكَمْ أَرْسَلْنَا

از شما ذکر را کاملاً اینکه هستید قوم مسرف \* و چقدر ارسال کردیم

مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ<sup>۶</sup> وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ

از انبیاء در مردم اول \* و نیامد آنها را کدام نبی الا بودند براو

(۱) ام: مادر. امی: مادری، مادرزاد، فطری، طبعی، ذاتی. ام الكتاب: کتاب کامل، کتاب مندرج. لَعَلِيٌّ: بس عالی و حکیم

يُسْتَهْزِءُونَ<sup>۷</sup> فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ<sup>۸</sup>

استهزاء کنندگان \* هلاک کردیم اشدتر از آنها را در جباریت و گذشت مثال مردمان اول \*

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ

و اگر سؤال کنی از آنها "که خلق کرد سماوات و زمین را؟" میگویند خلق کرد آنرا

الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ<sup>۹</sup> الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ

العزیز العلیم \* آنکه ساخت برای شما زمین را مهد و ساخت بشما

فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ<sup>١٠</sup> وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

آنجا راهها برای اینکه شوید هدایت \* و آنکه نازل کرد از سماء آب را

بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ<sup>١١</sup> وَالَّذِي

بقدرش. میکنیم زنده به آن زمین مرده را. همینطور میشود خارج \* و آنکه

خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا

خلق کرد ازواج را همه، و ساخت برای شما از کشتی و انعام آنچه

تَرْكِبُونَ<sup>۱۲</sup> لَتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُونَ نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا

میشوید راکب \* تا قرار گیرید بر ظهور آنها باز کنید ذکر نعمت رب خود را چون

اَسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا

برقرار شدید بر آن و بگوئید سبحان بآنکه مسخر کرد بما اینرا و نه

كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ<sup>۱۳</sup> وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ<sup>۱۴</sup> وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ

بودیم بر آن مسلط \* و ما نزد رب خود بر میگردیم \* و میسازند برایش از

عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ

عبادش جزء. یقیناً انسان است بس کفور مبین \* آیا اتخاذ کرد از مخلوقش

بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنَاتِ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ

دختران و برگزیند بشما پسران \* و چون بشارت شود احد آنها را آنچه میزنند

لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَنْ يَنْشَأُ

برای رحمان مثال،<sup>۱</sup> تاریک شود وجه او سیاه، و میشود کاظم \* آیا آنکه شده پرورش

(۱) وقتی گفته شود برایش خدا بتو دختری داد، چهره اش تاریک میگردد و قهر خود را غورت میکند.

فِي الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ<sup>١٨</sup> وَجَعَلُوا الْبَلِيكَةَ

در زیورات و هست در مخاصمه غیر مبین<sup>١</sup> \* و میسازند ملائک را

الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا شَاطِئُ الشَّهَدِ وَأَخْلَقَهُمْ سَكْتَبُ

که هستند عباد رحمان، اناث. آیا بودند شاهد خلقتشان. میشود نوشته

شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ<sup>١٩</sup> وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاكُمْ

شهادت آنها و میشوند سؤال \* و گویند گر میخواست رحمان نمیکردیم عبادت آنها را.

---

(١) آیا آنکه برای آرایش تربیه شده میتواند مخاصمه کند.

مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۳۰﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا

نیست آنهارا براین کدام علمی. نیستند الا دروغ گویان. \* آیا دادیم آنهارا کتابی

مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿۳۱﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا

از قبل این که هستند برآن تمسک کنندگان<sup>۱</sup> \* بلکه گویند ما یافتیم آباء خود را

عَلَىٰ أُمَّتٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿۳۲﴾ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ

بر امتی و ما بر آثار آنها میشویم هدایت \* و همینطور نکردیم ارسال کسی

(۱) متمسك: متکی، استناد داشتن، محکم گرفتن. (۲) آثار: نقش قدم.



قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ تَذِيرٍ ۚ اَلَا قَالِ مُتْرَفُوهَا اِنَّا وَجَدْنَا

قبل تو در قریه، کدام نذیری، الا گفتند متمولین آنها یقیناً ما یافتیم

اَبَاءَنَا عَلٰى اُمَّتٍ وَّاِنَّا عَلٰى اٰثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿۲۳﴾ قُلْ اَوْلَوْجِئْتُكُمْ

اباء خود را بر راهی و ما بر اثار آنها اقتدا کرده ایم \* گفت ولو آوردم بشما

يٰۤاٰهْدِيْ مِّنَّا وَجَدْتُمْ عَلٰى اَبَائِكُمْ قَالُوْۤا اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ

بهرهدایتی از آنچه یافتید بر آن اباء خود را. گفتند ما آنچه ارسال شده اید بر آن

كُفِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾<sup>النصف</sup>

کافرانیم \* گرفتیم انتقام از آنها، بکن نظر چطور بود عاقبت مکذبین \*

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا

وچون گفت ابراهیم پدرش و قومش منم بری از آنچه عبادت میکنید \* الا

الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي

آنکه آفرید مرا پس او میکند هدایتیم \* و ساخت آنرا کلمه باقی در

عَقِبَهُ لَعَالَهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ

بازماندگانش تا که آنها بکنند رجوع \* بلکه متاع دادم اینهارا و آباء آنها را حتی

جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿۲۹﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا

آمد برایشان حق و رسول مبین \* و هرگاه آمد برایشان حق گفتند اینست

سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿۳۰﴾ وَقَالُوا الْوَلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ

سحر و مائیم بر آن کافران \* و گفتند چرا نشد نازل این قرآن بر مردی

مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿۳۱﴾ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ طَنُوحًا نَحْنُ قَسَمْنَا

از دو قریه عظیم \* آیا آنها میکنند تقسیم رحمت ربترا. ما تقسیم میکنیم

بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

بین آنها معیشت آنها را در حیات دنیا و بلند میکنیم بعضی آنها را فوق بعضی

دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُرُرًا ط وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا

بدرجات تا بگیرند بعضی آنها بعضی را بتسخیر. <sup>۱</sup> و رحمت رب توست بیشتر از آنچه

(۱) تابعی فرمانروا و بعضی فرمانبردار باشند.

يَجْمَعُونَ<sup>۳۲</sup> وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ

میکنند جمع \* و اگر نه، باز میبودند مردم امت (گمراه) واحد که میساختیم برای آنکه

يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ<sup>۳۳</sup>

میکنند انکار از رحمان، بخانه هایشان سقفها از نقره و معاریج که بر آن کنند ظهور \*

وَلِيُوتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَسُرًّا عَلَيْهَا يَكُونُونَ<sup>۳۴</sup> وَزُخْرِفًا وَإِنْ كُلُّ

و بخانه هایشان درها و تختها تا بر آن زنند تکیه \* و از طلا. و نیست کل

ذٰلِكَ لِمَا مَتَّاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِيْنَ ۚ ﴿٣٥﴾

اینها بجز متاع حیات دنیا. و آخرت است نزد ربت برای متقین \*

وَمَنْ يَّعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقِيْضْ لَهُ شَيْطٰنًا فُهٗوَلَهُ قَرِيْنٌ ﴿٣٦﴾

و هر که چشم پوشد از ذکر رحمان کنیم مقید برایش شیطانی که باشد قرینش \*

وَ اِنَّهُمْ لَيَصُدُّوْنَ عَنْ السَّبِيْلِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّجْتَدِدُوْنَ ﴿٣٧﴾

و اینها باز میدارند آنها را از راه (حق)، و میکنند حساب که آنها اند بهدایت \*

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

حتی که بیاید بما گوید ایگاش بودی بین من و بین تو بعد مشرقین، بس بد

الْقَرَيْنِ ﴿۳۸﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ

قرینی \* و نکند نفع بشما امروز چون ظلم کردید، هستید در عذاب

مُشْتَرِكُونَ ﴿۳۹﴾ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ

شرکت کنندگان\* آیا تو میشنوانی کر را یا میکنی هدایت کور را و آنکه هست

فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَأَمَّا نَذْرٌ هَبْنِ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ

در گمراهی مبین؟ \* اگرما ببریم از بین ترا مائیم از آنها انتقام گیر \* خواه

نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَاسْتَمْسِكْ

بنمائیم بتو آنچه وعده کردیم آنها را باز مائیم بر آنها مقتدر \* بکن تمسک

بِالَّذِي أَوْحَىٰ إِلَيْكَ إِنَّا كُنَّا صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَكْثَرَ

بر آنچه شد وحی بتو. توئی بر صراط مستقیم \* واینست ذکری برایت



وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسُئِلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

و بقومت. و زود میشود سؤال \* و سؤال کن آنرا که ارسال کردیم از قبل تو

مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ

از رُسل ما. آیا ساختیم بدون رحمان الهه که شوند عبادت \* و البته

أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ

ارسال کردیم موسی را با آیات خود الی فرعون و ملاء او گفت منم رسول رب

الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا

العالمین \* چون آمد نزد آنها با آیات ما هماندم بر آن خندیدند \* و ندهیم

نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ

نشان آنها را هیچ آیتی الا باشد بزرگتر از اختش<sup>۱</sup> و گرفتیم آنها را به عذاب

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّحِرُ ادْعُ لِنَارِكَ بِمَا عَمَدَ عِنْدَكَ<sup>ج</sup>

تا که آنها بکنند رجوع \* و گفتند یا ای ساحر دعا کن بما به ربت آنچه عهد کرد بتو

(۱) از اختش: از خواهرش، از هم جنسش، از هم نوع آن.

إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

باز می‌شویم هدایت \* وقتی دور کردیم از آنها عذاب را همانا عهد شکستند \*

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ

و ندا کرد فرعون میان قومش، گفت یا قومم آیا نیست از من پادشاهی مصر و

هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِمَّنْ

اینهمه انهار جاری از تحتم، آیا نمی بینید. \* آیا منم بهتر از

هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۝ وَلَا يَكَادُ يَبِينُ ۝ ۵۲ فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ

این که هست منفور و نتواند بیان دهد \* چرا نه افتیده بروی کره های

مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ۝ ۵۳ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ

از طلا یا نیامد همرایش ملائک وابسته \* کرد خفت بقوم خود

فَأَطَاعُوهُ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ ۵۴ فَلَبَّآ أَسْفُونًا انْتَقَمْنَا

کردند اطاعت از او. اینها بودند قوم فاسق \* وقتی آوردند بخشم ما را گرفتیم انتقام

مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۵۵﴾ فَعَلَّانَهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿۵۶﴾

از آنها کردیم غرق آنها را جمیعاً \* ساختیم آنها را سلف و مثال برای دیگران \*

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿۵۷﴾ وَ

وهرگاه زده شد ابن مریم مثالی آنگاه قومت از آن میشوند بغوغا \* و

قَالُوا يَا إِلَهَتَنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدًّا لَّا بَلْ هُمْ قَوْمٌ

میگویند آیا الهه ماست بهتر یا او. نگویند آنرا بتو الا بجدال. بلکه هستند قوم

خَصِيْمُوْنَ ﴿۵۸﴾ اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مِثْلًا لِّلْبَنِيِّ

خصومت گر \* نبود او الا بنده، نعمت کردیم براو و ساختیم اورا مثال برای بنی

اِسْرَائِيْلَ ﴿۵۹﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِی الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ﴿۶۰﴾

اسرائیل. \* و اگر خواهیم میسازیم از شما ملائک در زمین برای خلافت \*

وَ اِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُوْنَ هٰذَا صِرَاطًا

و اوست علامه ساعت، نکنید شک برآن و شوید تابعم. اینست صراط

مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ وَلَكِنَّا

مستقیم \* و نباید بازدارد شمارا شیطان. اوست بشما دشمن مبین \* وقتی

جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَرِأْيِنَ لَكُمْ

آمد عیسی با بینات گفت البته آمدم بشما با حکمتی تا کنم بیان بشما

بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ

بعضی آنچه میگردید اختلاف در آن. کنید تقوا به الله و کنید اطاعت مرا \* یقیناً الله، اوست

رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾ فَاخْتَلَفَ

رب من و رب شما پس عبادت کنید اورا. اینست صراط مستقیم \* کردند اختلاف

الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ

احزاب در بین خود. پس وای بکسان ظالم از عذاب روز

الْيَوْمِ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

الیم \* آیا دارند انتظار الا ساعتی را که بیاید بر آنها ناگهان و باشند



لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا

بدون شعور \* خلیلان اند آن روز بعضی آنها بر بعضی دشمن الا

الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَعْبَادُ لِأَخْوَفٍ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ

متقین. \* یا عبادم نباشد خوف بر شما امروز و نه شما کنید حزن \* کسان

أَمِنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَازْوَاجُكُمْ

ایمان دار بر آیات ما که بودند مسلمین \* شوید داخل جنت شما و ازواج شما

تُحْبِرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِخَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَكُؤَابٍ فِيهَا

بشادمانی \* شود طواف بر آنها قاب ها از طلا و جام ها. و آنجاست

مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَ

آنچه کند اشتها نفسها و برد لذت چشمها. و شما آنجا می کنید خلد \* و

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ

اینست جنت که شدید وارث آنرا بسبب آنچه میکردید عمل \* بشما آنجا میوه

كثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾ إِنَّ الْبُجْرَمِينَ فِي عَذَابٍ بِحَسْبِ خَلْدُونَ ﴿٧٤﴾

کثیر، از آن میخورید \* یقیناً مجرمین در عذاب جهنم میکنند خلد \*

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

نباشد رهاوت بر آنها و باشند آنجا غرق ناامیدی \* و نکردیم ظلم بر آنها و لکن بودند

هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَا مَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ

آنها ظلم کنندگان \* و ندا کنند یا مالکا کاش کند فیصله بر ما رب تو. میگویند یقیناً شما

مَا كُتُبُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كِرْهُونَ ﴿٧٨﴾

ماندنی هستید\* البته آمدم بشما باحق و لکن اکثر شما برحق کراهیت دارید\*

أَمْ أَرْبُومُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ

آیا مدبر امر اند؟ مگر ما ئیم تدبیرکننده\* آیا حساب میکنند ما نمیشنویم سر آنها را و

نَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلَنَا الَّذِينَ يَكْتُوبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ

نجوا آنها را. بلی و رُسل ما نزدایشان مینویسند\* بگو اگر باشد برای رحمان

وَلَدًا وَقَدْ فَانَا أَوَّلَ الْعَبِيدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ

ولدی، باشم من اول عابدین \* سبحان برب سماوات و زمین رب

الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرُهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا

عرش از آنچه کنند وصف \* بگذار آنها را زندگپ و کنند لعب حتی شوند ملاقی

يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي

روزیشانرا که شده اند وعده \* و اوست آنکه در آسمان خداست و در

الْأَرْضِ إِلَهُهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ<sup>۸۴</sup> وَتَبْرَكَ الَّذِي لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

زمین خدا. و اوست الحکیم العلیم\* و برکتبار است آنکه از اوست پادشاهی سماوات

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ<sup>۸۵</sup>

و زمین و مابین آنها. و نزد اوست علم ساعت. و نزدش می‌کنید رجعت\*

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ

و بی اختیارند آنانکه میکنند دعا بجای او برای شفاعت الا آنکه شاهد

بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۸۶﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ

حق است و آنها دارند علم \* و اگر سؤال کنی از آنها، کی خلق کرد آنها را میگویند الله!

فَأَنى يُوَفِّكُونَ<sup>لا</sup> ﴿۸۷﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾ فَاصْفُرْ

بکجا شده اند منفک \* و گفتار او یا رب یقیناً اینها اند قوم بی ایمان. \* بگذر

عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ<sup>ع</sup> ﴿۸۹﴾

از آنها و بگو سلام. باز زود میفهمند \*